



واکاوی چرایی همتایی حمزه بن عبدالمطلب علیه السلام و جعفر بن ابی طالب علیه السلام در کلام اهل بیت علیه السلام

پدیدآورنده (ها) : یعقوب زاده، هادی؛ صفری فروشانی، نعمت الله

میان رشته ای :: همایش مجموعه آثار همایش بین المللی حضرت حمزه (سلام الله علیه) :: مجموعه آثار همایش بین المللی حضرت حمزه (سلام الله علیه)

صفحات : از ۱۴۱ تا ۱۶۸

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/2223338>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۵/۰۶/۱۸

کاربر گرامی، فایل دانلود شده فقط برای استفاده شخصی است، از نشر آن خودداری فرمایید.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و برگرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه **قوانین و مقررات** استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- واکاوی چرایی همتایی حمزه بن عبدالمطلب (س) و جعفر بن ابی طالب (س) در کلام اهل بیت (ع)
- چرایی و چگونگی مباحثات به جعفر بن ابی طالب (س) در روایات هفت شخصیت ممتاز از پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)
- سیره علی من کلام علی: عرض موجز من سیره امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام من خلال نهج البلاغة
- دور الامام الحسن علیه السلام فی عهد امیر المومنین علی بن ابی طالب علیه السلام (۳۵ - ۴۰ هـ)
- رفتارشناسی خاندان عباس بن عبدالمطلب در مواجهه با حضرت حمزه علیه السلام
- علی بن ابی طالب (علیه السلام)
- در مدح حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام
- نقد روایات فقهی منقول از علی بن ابی طالب علیه السلام در تفسیر الدر المنثور
- منقبت حضرت مولای متقیان و امیرمومنان علی بن ابی طالب علیه السلام
- بررسی و نقد کتاب اسلوب علی بن ابی طالب علیه السلام فی خطبه الحریبة

واکاوی چرایی همتایی حمزه بن عبد المطلب ع و جعفر بن ابی طالب ع در کلام اهل بیت ع

هادی یعقوب زاده^۱

نعمت الله صفری فروشانی^۲

چکیده

همتایی حمزه بن عبد المطلب (د. ۳ ق)، و جعفر بن ابی طالب (د. ۸ ق)، در روایات اهل بیت ع، بیان گر مقام و منزلت ایشان و نیز نقش و جایگاهی است که در صدر اسلام داشته‌اند. از سوی دیگر، یادکرد حضرت علی ع از حمزه ع و جعفر ع در مسئله خلافت که اگر بودند خلافت مسیر دیگری را طی می‌کرد، بیان گر امکان تاثیرگذاری ایشان بر جامعه است. از این رو چرایی همتایی حمزه ع و جعفر ع در کلام اهل بیت ع پرسشی است که نوشتار حاضر به آن خواهد پرداخت. به همین منظور، داده‌های مرتبط با مسئله پژوهش گردآوری و به روش تحلیل محتوایی تبیین گردید. برآیند این پژوهش آن است که حمزه ع و جعفر ع به دلیل مولفه‌هایی همچون ایمان صادقانه، ولایت‌پذیری، عنصر قدرت و منطق، بهره‌مندی از شجاعت و دلاوری، دارا بودن جایگاه و موقعیت اجتماعی، قابلیت

۱. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه هنر، تهران (نویسنده مسئول)، yaghoubzadeh@art.ac.ir

۲. استاد مجتمع آموزش عالی تاریخ، سیره و تمدن اسلامی، وابسته به جامعه المصطفی ع العالمیه.
nsafari8@gmail.com

تاثیرگذاری در مسائل جامعه را داشتند. همچنانکه وجود این دو می‌توانست در مسئله خلافت تاثیرگذار باشد، فقدان ایشان نیز از جمله عوامل بازماندن حضرت علی علیه السلام از خلافت دانسته شده است.

کلیدواژه‌ها: همتایی حمزه علیه السلام و جعفر علیه السلام، حضرت علی علیه السلام، ایمان، قدرت، منطق، خلافت.

مقدمه

حمزه بن عبد المطلب علیه السلام و جعفر بن ابی طالب علیه السلام دو تن از صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله بودند که پس از ایمان آوردن به ایشان، وفاداری خود را به آن حضرت به اثبات رسانده و جانشان را در راه اسلام فدا کردند. این فداکاری و اخلاص موجب شد که بارها رسول خدا صلی الله علیه و آله و بعد از ایشان ائمه علیهم السلام، از حمزه علیه السلام و جعفر علیه السلام به نیکی یاد کنند. یکی از عرصه‌های یادکرد از حمزه علیه السلام و جعفر علیه السلام، مسئله خلافت بوده که حضرت علی علیه السلام فقدان این دو را به عنوان یکی از عوامل باز ماندن خود از جانشینی رسول خدا صلی الله علیه و آله دانسته است.^۱ این سخن از ظرفیت و جایگاه حمزه علیه السلام و جعفر علیه السلام برای تاثیرگذاری در تحولات جامعه حکایت دارد. از این رو نوشتار حاضر به این پرسش خواهد پرداخت که حمزه بن عبد المطلب علیه السلام و جعفر بن ابی طالب علیه السلام از چه ظرفیت‌ها و ویژگی‌هایی برخوردار بودند که با وجود آنان، حضرت علی علیه السلام خلافت بلافصل رسول خدا صلی الله علیه و آله را عهده‌دار می‌شد؟ در پاسخ به این پرسش می‌توان گفت حمزه علیه السلام و جعفر علیه السلام به جهت «خاستگاه قبیله‌ای و جایگاه اجتماعی»، «توانمندی‌های شخصی» و «ایمان راسخ‌شان» قابلیت جهت دهی به مردم و تاثیرگذاری در تحولات بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله را داشتند. البته این بدان معنا نیست که خلافت معلول تصمیم و یا عملکرد یک یا دو نفر باشد که به صرف وجود ایشان خلافت محقق گردد. چرا که خلافت کنشی است که در بسترهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی شکل گرفته و معلول عوامل متعددی است. اما بی‌تردید برخی از افراد به دلیل شرایط و توانمندی‌هایی که دارند، امکان تاثیرگذاری بر مردم را داشته و می‌توانند در کنش

۱. طبری آملی، المسترشد، ص ۴۰۸-۴۲۸.

خلافت مؤثر باشند. از جمله این افراد حمزه علیه السلام و جعفر علیه السلام بوده‌اند که به نظر می‌رسد قابلیت و ظرفیت تاثیرگذاری بر مردم را داشته‌اند. ازاین‌رو در این نوشتار ویژگی‌ها و قابلیت‌هایی که موجب می‌شد حمزه علیه السلام و جعفر علیه السلام بتوانند در تحولات پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله مؤثر باشند، مورد بررسی و واکاوی قرار گرفته است.

پیشینه پژوهش

مسئله پژوهش حاضر تاکنون در هیچ نوشتاری مورد بررسی قرار نگرفته است. البته درباره شخصیت حمزه بن عبد المطلب علیه السلام و جعفر بن ابی طالب علیه السلام در منابع صحابه نگاری همچون: الطبقات الکبری، معرفة الصحابة، الاستیعاب و مانند اینها، اطلاعاتی که صرفاً جنبه معرفی و شرح حال دارد، آمده است. همچنین، در برخی از آثار به صورت انفرادی به شخصیت حمزه علیه السلام و یا جعفر علیه السلام پرداخته شده است. از جمله این آثار، می‌توان به مدخل «حمزه بن عبد المطلب علیه السلام» از عاطفه زند در دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۲۱، (۱۳۹۵)، و نیز همین مدخل نوشته مهدی مجتهدی، در دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۴، (۱۳۹۳)، اشاره کرد که معرفی اجمالی‌ای از حمزه علیه السلام بوده و به مسئله پژوهش حاضر نپرداخته‌اند. همچنین، مدخل «جعفر بن ابی طالب علیه السلام» نوشته علی بهرامیان، در دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۸، (۱۳۸۹)، و نیز مدخلی با همین عنوان نوشته ستار عودی، در دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۰، (۱۳۸۵)، معرفی اجمالی از جعفر علیه السلام بوده و در آن‌ها بحثی از مسئله پژوهش حاضر نشده است. همچنانکه مدخل «جعفر بن ابی طالب علیه السلام» از جعفر قزوینی در دانشنامه حج و حرمین شریفین، ج ۶، (۱۳۹۵)، نیز با همین رویکرد نوشته شده است. این ویژگی در دیگر مقالاتی که درباره شخصیت حمزه علیه السلام و جعفر علیه السلام نوشته شده، وجود دارد. ازاین‌رو مسئله پژوهش حاضر تاکنون در هیچ تحقیقی مورد واکاوی قرار نگرفته و به همین جهت نوشتار حاضر در نوع خود جدید خواهد بود.

۱. همتایی حمزه علیه السلام و جعفر علیه السلام در سخنان معصومان علیهم السلام

همتایی حمزه علیه السلام و جعفر علیه السلام بر اساس روایات متعددی که از پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام

رسیده، شکل گرفته است. محتوای این روایات حاکی از وجوه اشتراک این دو با یکدیگر است. مهم‌ترین جنبه این اشتراک، وفاداری و پایمردی این دو در راه دفاع از اسلام است. همین مسئله موجب شده که اهل بیت علیهم‌السلام از ایشان به نیکی یاد کرده و به آنان افتخار کنند.^۱ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم حمزه رضی‌الله‌تعالی‌عنه و جعفر رضی‌الله‌تعالی‌عنه را از خوبان و برگزیدگان خاندان خود خوانده^۲ و از این که این دو به آن حضرت ایمان آوردند، خدا را شکر گفته است.^۳ حضرت علی رضی‌الله‌تعالی‌عنه نیز در نامه‌ای به معاویه بن ابی سفیان (د. ۶۱ق)، به داشتن عمویی همچون «حمزه سید الشهداء رضی‌الله‌تعالی‌عنه» و برادری همچون «جعفر طیار رضی‌الله‌تعالی‌عنه»، افتخار کرده است.^۴ آن حضرت همچنین در میدان مبارزه، «حمزه رضی‌الله‌تعالی‌عنه نیکوکار» و «جعفر رضی‌الله‌تعالی‌عنه طیار» را از خود دانسته و به آنان افتخار کرده است.^۵ امام حسین رضی‌الله‌تعالی‌عنه نیز در روز عاشورا و در گفت‌وگو با مخالفان به انتساب خود به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و حمزه رضی‌الله‌تعالی‌عنه و جعفر رضی‌الله‌تعالی‌عنه افتخار کرده است.^۶ این افتخار کردن، حاکی از موقعیت و جایگاهی است که حمزه رضی‌الله‌تعالی‌عنه و جعفر رضی‌الله‌تعالی‌عنه در میان مسلمانان داشته‌اند، چرا که اگر چنین جایگاهی وجود نداشت، و مردم چنین باوری به اینان نداشتند، یادکرد افتخارگونه از ایشان بی‌معنی می‌بود. به همین جهت، وقتی امام علی رضی‌الله‌تعالی‌عنه در پاسخ به معاویه از حمزه رضی‌الله‌تعالی‌عنه و جعفر رضی‌الله‌تعالی‌عنه به عنوان نمونه‌هایی افتخارآمیز یاد کرد، معاویه اجازه نشر این نامه را در میان مردم نداد، زیرا می‌ترسید که اگر مردم از محتوای نامه حضرت علی رضی‌الله‌تعالی‌عنه آگاه شوند، به ایشان گرایش پیدا کنند.^۷ این نکته خود بیان‌گر آن است که افتخار کردن به حمزه رضی‌الله‌تعالی‌عنه و جعفر رضی‌الله‌تعالی‌عنه حرکتی تأثیرگذار در جامعه بوده است.

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۵۰؛ مفید، الإرشاد، ج ۱، ص ۳۷؛ ابن اثیر، اسد الغابة، ج ۱، ص ۴۹۳.

۲. بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۴، ص ۲۸۲؛ قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۳، ۳۴۷.

۳. بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۴، ص ۲۸۴.

۴. همان، ج ۵، ص ۱۱۱؛ ابن کثیر، البداية والنهاية، ج ۸، ص ۹.

۵. منقری، وقعة صفین، ۴۶۰-۴۶۱؛ ابن أعثم، الفتوح، ج ۳، ص ۱۰۳.

۶. ابو مخنف، وقعة الطف، ص ۲۰۶؛ طبری، تاریخ طبری، ج ۵، ص ۴۲۴.

۷. ابن کثیر، البداية والنهاية، ج ۸، ص ۹.

۲. یادکرد از حمزه علیه السلام و جعفر علیه السلام در کنار حضرت علی علیه السلام

علاوه بر آن که از حمزه علیه السلام و جعفر علیه السلام به صورت انفرادی و همتای با یکدیگر یاد شده، در برخی از روایات از ایشان در کنار حضرت علی علیه السلام نیز یاد شده است. از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که خداوند ایشان، حضرت علی علیه السلام، حمزه علیه السلام و جعفر علیه السلام را از میان بنی هاشم برگزیده است.^۱ همچنین، رسول خدا صلی الله علیه و آله حضرت علی علیه السلام، حمزه علیه السلام و جعفر علیه السلام را از مفاخر خاندان عبد المطلب،^۲ بهترین مردم^۳ و از مفاخر بشر^۴ و نیز از جمله حواریون خود^۵ دانسته است. در روایتی دیگر، از حضرت علی علیه السلام به عنوان برترین وصی از میان اوصیای پیامبران و حمزه علیه السلام و جعفر علیه السلام به عنوان برترین شهدا یاد شده است.^۶ همچنین از حمزه علیه السلام به عنوان «سید الشهداء»^۷ و از جعفر علیه السلام به «طیاره» و «صاحب دو بال» یاد شده^۸ که به جانفشانی ایشان در میدان جنگ اشاره دارد.

در شأن نزول برخی از آیات نیز، مثلث حضرت علی علیه السلام، حمزه علیه السلام و جعفر علیه السلام در کنار هم هستند. گفته شده که حضرت علی علیه السلام، حمزه علیه السلام و جعفر علیه السلام از جمله مصادیق آیه «وَأَمِنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ»^۹ هستند.^{۱۰} این آیه در واقع ایمان این سه نفر را به عنوان ایمان معیار مطرح کرده است. همچنانکه این سه تن از مصادیق «شهدا» در آیه «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ

۱. قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۳، ۳۴۷.

۲. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۴۹.

۳. ابو الفرج اصفهانی، مقاتل الطالبین، ص ۳۴؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغة، ج ۱۵، ص ۷۲.

۴. حمیری، قرب الإسناد، ص ۲۵.

۵. ابن عبد البر، الإستیعاب، ج ۴، ص ۱۴۸۱؛ ابن اثیر، اسد الغابة، ج ۱، ص ۳۴۲.

۶. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۵۰.

۷. بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۲، ص ۳۹۴؛ قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۳؛ ابن حجر عسقلانی، الإصابة، ج ۲، ص ۱۰۶.

۸. طوسی، الأمالی، ص ۵۶۴؛ ابن عبد البر، الإستیعاب، ج ۱، ص ۲۴۴.

۹. همان گونه که مردم ایمان آوردند، شما هم ایمان بیاورید (بقره، آیه ۱۳).

۱۰. حاکم حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۹۳.

عَلَيْهِمْ^۱ دانسته شده‌اند.^۲ همچنین، گفته شده که آیه «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا»^۳ درباره حضرت علی^{علیه السلام}، حمزه بن عبد المطلب^{علیه السلام} و جعفر طیار^{علیه السلام} نازل شده است، زیرا رسول خدا^{صلی الله علیه و آله} را تصدیق کرده و در ایمان خود تردیدی راه ندادند. ادامه آیه نیز به رفتار اینان اشاره دارد که با دشمنان خدا جهاد کرده و با مال و جانشان اوامر او را اطاعت کردند. اینان در ایمان‌شان صادق بودند، از این رو خداوند به صداقت آنان و وفاداری‌شان شهادت داده است.^۴ از امام باقر^{علیه السلام} نیز نقل شده که مصداق «فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ»^۵ در آیه «رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ...»^۶ حمزه^{علیه السلام} و جعفر^{علیه السلام}، و مصداق عبارت «وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ»^۷ حضرت علی^{علیه السلام} است.^۸ بر این باید گفت قرآن کریم پایداری اینان را در دفاع از دین خدا و جانفشانی در راه آن و تحمل سختی‌ها و مرارت‌های این مسیر تأیید کرده است. به تبع اهل بیت^{علیهم السلام}، در شعر شاعران نیز مثلث علی^{علیه السلام}، حمزه^{علیه السلام} و جعفر^{علیه السلام} آمده است. همچنانکه دَعْبِلُ خُرَاعِي (د. ۲۴۶ق)، در یکی از اشعارش این سه را کنار هم قرار داده و از عظمت ایشان یاد کرده است.^۹ در نامه محمد بن ابی بکر (د. ۳۸ق)، به معاویه نیز حضرت علی^{علیه السلام}، حمزه^{علیه السلام} و جعفر^{علیه السلام} کنار هم قرار گرفته و به فضیلت و تقدم اینان در سبقت به اسلام و ایثار برای دین خدا اشاره شده است.^{۱۰} هرچند مقام حمزه^{علیه السلام} و جعفر^{علیه السلام} با

۱. «و کسانی که از خدا و پیامبر اطاعت کنند، در زمره کسانی خواهند بود که خدا ایشان را گرامی داشته [یعنی] با پیامبران و راستان و شهیدان و شایستگانند و آنان چه نیکو همد مانند» (نساء، آیه ۶۹).

۲. همان، ص ۱۹۷.

۳. در حقیقت، مؤمنان کسانی‌اند که به خدا و پیامبر او گرویده و [دیگر] شک نیاورده و با مال و جان‌شان در راه خدا جهاد کرده‌اند اینانند که راست‌کردارند» (حجرات، آیه ۱۵).

۴. همان، ج ۲، ص ۲۵۹.

۵. برخی از آنان به شهادت رسیدند» (احزاب، آیه ۲۳).

۶. «از میان مؤمنان مردانی‌اند که به آنچه با خدا عهد بستند صادقانه وفا کردند...» (احزاب، آیه ۲۳).

۷. «و برخی از آنها در [همین] انتظارند و [هرگز] عقیده خود را [تبدیل] نکردند» (احزاب، آیه ۲۳).

۸. قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۸۸-۱۸۹؛ طبرسی، مجمع البیان، ج ۵، ص ۱۲۲.

۹. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغة، ج ۱۰، ص ۸۰.

۱۰. بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۲، ص ۳۹۳-۳۹۴.

جایگاه و منزلت حضرت علی علیه السلام قابل قیاس نیست، اما حضور ایشان در کنار حضرت علی علیه السلام نشان از هماهنگی و همراهی شان با آن حضرت است.

به نظر می‌رسد همتایی حمزه علیه السلام و جعفر علیه السلام در کلام معصومان علیهم السلام و یادکرد از ایشان در کنار حضرت علی علیه السلام، علاوه بر این که نشان دهنده همسویی و هم افزایی این سه نفر با یکدیگر است، نشان دهنده نقشی است که ایشان در جامعه اسلامی می‌توانستند ایفا کنند. برای تبیین این موضوع لازم است به روایاتی اشاره شود که در آن‌ها به این نکته اشاره شده که اگر حمزه علیه السلام و جعفر علیه السلام در دوره پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله بودند، خلافت به همان مسیری می‌رفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله ترسیم کرده بود.

۳. فقدان حمزه علیه السلام و جعفر علیه السلام و تأثیر آن در مسئله خلافت

همراهی حمزه علیه السلام و جعفر علیه السلام با حضرت علی علیه السلام یک مثلث همسو و هم افزا را شکل می‌داد که قابلیت جریان سازی و مقابله با جریان‌های غیر همسو را فراهم می‌کرد. این دو با داشتن شاخصه‌های همچون؛ ایمان، قدرت و برهان و منطق قابلیت دفاع از حق حضرت علی علیه السلام را داشتند. به همین دلیل است که حضرت علی علیه السلام در مواقع مختلفی با یادکرد از حمزه علیه السلام و جعفر علیه السلام، فقدان آنان را ضایعه‌ای بزرگ برای خود به شمار آورده است. آن حضرت، بودن این دو را مایه تقویت جبهه خود و تمکین قریش در برابر خلافت بلافصل ایشان دانسته است. این سخن مبتنی بر یک دیدگاه عقلانی و منطقی است که خواص جامعه به دلیل جایگاه و موقعیتی که دارند و نیز به جهت مقبولیت‌شان، فارغ از تعداد و نفرات، می‌توانند توده و عموم مردم را با خود همراه کرده و جریان سازی کنند.

موضوع حسرت خوردن حضرت علی علیه السلام از فقدان حمزه علیه السلام و جعفر علیه السلام در نامه ایشان به شریح بن هانی (د. ۷۸ ق)،^۱ آمده است. این نامه در کتاب المسترشد طبری آمده است.^۲ در این

۱. شریح بن هانی بن یزید در جاهلیت زاده شد و با ظهور اسلام به آن گروید. وی از بزرگان اصحاب حضرت علی علیه السلام بوده است (ابن عبد البر، الإستیعاب، ج ۲، ص ۷۰۲). شریح در سال ۷۸ هجری در حالی که ۱۲۰ سال داشت، در جنگ با کفار در منطقه سجستان کشته شد (ابن اثیر، اسد الغابة، ج ۲، ص ۳۶۸).

۲. طبری آملی، المسترشد، ص ۴۰۸-۴۲۸.

نامه حضرت از فقدان حمزه علیه السلام و جعفر علیه السلام سخن می‌گوید و تأکید می‌کند که اگر این دو می‌بودند، من به بیعت با ابو بکر (د. ۱۳ق)، مجبور نمی‌شدم.^۱ شریح بن هانی از بزرگان اصحاب امیر مومنان بوده است^۲ و در جنگ صفین از فرماندهان سپاه حضرت بوده است.^۳ نامه حضرت به هانی که در نهج البلاغه آمده،^۴ نشان دهنده ارتباط ویژه وی با امیر مومنان علی علیه السلام است.^۵ شریح روایاتی را از امیر مومنان علیه السلام نقل کرده است.^۶ به هر حال، ارتباط شریح با امام، صدور این نامه به ایشان را باورپذیر می‌کند. البته مضمونی شبیه به این نامه در الغارات^۷ و نیز شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید (د. ۶۵۶ق)^۸ از عبد الرحمن بن جندب^۹ از پدرش نیز نقل شده است که در آن، قسمتی که حضرت علی علیه السلام از فقدان حمزه علیه السلام و جعفر علیه السلام تاسف می‌خورد، ذکر نشده است. با این وجود، ابن ابی الحدید ذیل شرحی که بر یکی از خطبه‌های نهج البلاغه^{۱۰} می‌دهد خبر تاسف حضرت علی علیه السلام از فقدان حمزه علیه السلام و جعفر علیه السلام را نقل کرده است.^{۱۱} وجه اشتراک این

۱. همان، ص ۴۱۷.

۲. ابن عبد البر، الإستیعاب، ج ۲، ص ۷۰۲؛ نوری، خاتمة المستدرک، ج ۸، ص ۶۶.

۳. طبری، تاریخ طبری، ج ۴، ص ۵۶۵.

۴. نهج البلاغه، نامه ۵۶.

۵. نوری، خاتمة المستدرک، ج ۸، ص ۶۶.

۶. خوئی، معجم رجال الحديث، ج ۱۰، ص ۲۰.

۷. ثقفی، الغارات، ج ۱، ص ۳۰۲-۳۲۲.

۸. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۹۴-۱۰۰.

۹. عبد الرحمن بن جندب از اصحاب امیر المومنین علی علیه السلام بوده است (طوسی، رجال، ص ۷۵). از وی روایات و اخباری در منابع روایی و تاریخی نقل شده است (منقری، وقعة صفین، ص ۲۳۲؛ ثقفی، الغارات، ج ۱، ص ۳۷۰؛ کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۸). با این حال، اطلاعات دقیقی از زندگی وی در دست نیست. طبری وی را ازادی دانسته. اما اطلاعات دیگری درباره زندگی وی ارائه نکرده است (طبری، تاریخ طبری، ج ۵، ص ۱۰).

۱۰. شماره خطبه در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ۲۱۱ و در نسخه صبحی صالح ۲۱۷ است.

۱۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۱، ص ۱۱۱.

نامه‌ها گله حضرت از قریش است که در اقدامی هماهنگ، حق آن حضرت را مصادره کرده و ایشان به دلیل فقدان یار از استیفای حق خود باز ماندند.^۱ علاوه بر این، در نامه امام به شریح بن هانی آمده است که اگر قریش می‌توانستند نسبت مرا با رسول خدا صلی الله علیه و آله انکار می‌کردند.^۲ در ادامه، حضرت تنهایی خود و شرایط دشوار پدید آمده را توصیف کرده و فقدان حمزه و جعفر را عاملی برای بازماندن از حق خود ذکر می‌کند: «نگریستم دیدم که جز اهل بیت و خاندانم کسی یار و یاور من نیست و از به خطر افتادن جان آنان خوف کردم، اما اگر حمزه علیه السلام و جعفر علیه السلام بودند بی‌تردید به اجبار بیعت نمی‌کردم».^۳ این عبارت نشان می‌دهد که حمزه علیه السلام و جعفر علیه السلام به جهت جایگاه و منزلتی که داشتند، می‌توانستند نقشی اساسی در استیفای حق خلافت حضرت علی علیه السلام ایفا کنند. علاوه بر موارد فوق، حضرت علی علیه السلام در موقعیتی دیگر نیز از حمزه علیه السلام و جعفر علیه السلام یاد کرد. هنگامی که آن حضرت از همکاری تنگاتنگ عمرو عاص (د. ۴۳ق) با معاویه^۴ با خبر شدند، در اشعاری به تشریح وضعیت موجود پرداخت و در پایان با یادکرد از حمزه علیه السلام و جعفر علیه السلام از عظمت و تاثیرگذاری این دو و دلاورمردی‌شان یاد کرده و بودن ایشان را عامل تقویت جبهه خود و ضعف قریش قلمداد کرد^۵ و فرمود: «اگر ایشان بودند، قریش ستاره شب را در روز روشن می‌دید».^۶

حسرت از فقدان حمزه علیه السلام و جعفر علیه السلام و بیان تأثیر نبودن ایشان در مسئله خلافت، در روایتی از امام کاظم علیه السلام نیز آمده است. ایشان در پاسخ به این سؤال که اگر حضرت علی علیه السلام در ادعای خلافت بر حق بود، چرا قیام نکرد، به نبود یار اشاره کرده و تأکید می‌کند که خداوند تنها پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله را فرمان داد که به تنهایی قیام کند: «فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا

۱. طبری آملی، المسترشد، ص ۴۰۸-۴۲۸؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۱، ص ۱۱۱.

۲. طبری آملی، المسترشد، ص ۴۱۷.

۳. همان.

۴. بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۲، ص ۲۸۳؛ طبری، تاریخ طبری، ج ۴، ص ۵۲۶.

۵. منقری، وقعة الصفین، ص ۴۲-۴۴؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۶۸-۷۰.

۶. منقری، وقعة الصفین، ص ۴۴؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۷۰.

تُعْطَفُ إِلَّا نَفْسُكَ^۱، اما دیگران را این گونه امر نکرد، بلکه فرمود: «إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِّقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّرًا إِلَى فِتْنَةٍ»^۲، این در حالی بود که حضرت علی علیه السلام «فتنه؛ گروه و هوادار» نداشت که اگر داشت حتماً قیام می کرد. امام در ادامه می فرماید: «اگر جعفر علیه السلام و حمزه علیه السلام می بودند»^۳، این عبارت می تواند بدین معنا باشد که اگر اینان بودند امام قیام می کرد و یا این که تفسیر فتنه باشد؛ یعنی این دو به تنهایی فتنه بودند که با بودن آنان حضرت علی علیه السلام می توانست حق خویش را استیفا کند.^۴ این روایت ادامه ای دارد و آن این که تنها آن دو مرد باقی مانده بودند.^۵ مجلسی (د. ۱۱۱۰ ق)، گفته است که مراد از آن دو مرد، عباس بن عبد المطلب (د. ۳۲ ق)، و عقیل بن ابی طالب (د. در خلافت معاویه بن ابی سفیان)، است.^۶ از این رو امام کاظم علیه السلام جعفر علیه السلام و حمزه علیه السلام را مصداق فتنه می داند و از سوی دیگر عباس و عقیل را ضعیف تر از آن می داند که امام علی علیه السلام بتواند با همراهی آنان حق خود را استیفا کند.^۷ مفهوم این سخن آن است که حمزه علیه السلام و جعفر علیه السلام می توانستند نقشی جدی در احقاق حق حضرت علی علیه السلام ایفا کنند. این امر صرفاً به جهت خاستگاه قومی و قبیله ای اینان نبوده است، زیرا عباس و عقیل نیز در این ویژگی با آن دو مشترک بوده اند. به نظر می رسد ایمان حمزه علیه السلام و جعفر علیه السلام و پایمردی این دو بر آن و نیز شجاعت و جسارت شان در دفاع از حق، از جمله ویژگی هایی بوده است که به آنان امکان می داد در کنار حضرت علی علیه السلام قرار گرفته و از حق ایشان دفاع کنند. در حالی که، عباس و عقیل به دلیل جدید العهد بودن شان به اسلام، قابل اتکا نبوده و به

۱. «پس در راه خدا پیکار کن جز عهده دار شخص خود نیستی» (نساء / ۸۴).

۲. «مگر آنکه [هدفش] کناره گیری برای نبرد [مجدد] یا پیوستن به جمعی [دیگر از همزمانش] باشد» (انفال / ۱۶).

۳. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۵۱؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲۹، ص ۴۵۲.

۴. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲۹، ص ۴۵۲.

۵. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۵۱.

۶. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲۹، ص ۴۵۲.

۷. همان.

دفاع از آن حضرت نمی پرداختند. همچنین، روشن است مراد از اضافه شدن حمزه علیه السلام و جعفر علیه السلام به جمع اهل بیت علیهم السلام اضافه عددی نیست، چه این که با اضافه شدن دو نفر به جمعی؛ بدون لحاظ ویژگی ها و توانمندی های آنان، تغییر چندانی رخ نخواهد داد. از این رو معلوم است که وزنه و جایگاه و اعتبار این دو در کنار پامردی شان به گونه ای بوده که با وجود اینان ممکن بود تغییرات قابل ملاحظه ای در معادلات سیاسی جامعه پدید آید. آنچه که در ادامه می آید تبیینی از ویژگی ها و خصوصیات است که حمزه علیه السلام و جعفر علیه السلام به واسطه دارا بودن آن ها قادر به دفاع از حق حضرت علی علیه السلام در مسئله خلافت می شدند.

۴. شاخصه ها و ویژگی های حمزه علیه السلام و جعفر علیه السلام

۴.۱. ایمان واقعی و تاثیرگذار

در طول دوران رسالت حضرت محمد صلی الله علیه و آله بسیاری به ایشان ایمان آوردند، اما اینان در یک سطح از ایمان و عملکرد و نیز تاثیرگذاری نبودند. حمزه علیه السلام و جعفر علیه السلام در پذیرش اسلام، صادقانه عمل کردند و در جامعه نیز تاثیرگذار بودند. البته درباره زمان اسلام آوردن حمزه علیه السلام و جعفر علیه السلام دیدگاه های مختلفی نقل شده است. هرچند برخی اسلام آوردن جعفر علیه السلام را در سال سوم بعثت به بعد دانسته اند،^۱ اما بررسی شواهد تاریخی حاکی از آن است که جعفر علیه السلام به فاصله کوتاهی پس از برادرش حضرت علی علیه السلام به رسول خدا صلی الله علیه و آله ایمان آورد.^۲ به واسطه آن که حضرت علی علیه السلام بت پرستی را مذمت می کرد، جعفر علیه السلام نیز نسبت به این شیوه از پرستش نفرت پیدا کرد.^۳ همین مسئله موجب شد وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله جعفر علیه السلام را به اسلام دعوت کرد، پذیرفت و شهادتین را بر زبان جاری کرد.^۴ توصیه ابو طالب (د. سال دهم بعثت)، به فرزندش جعفر علیه السلام به پذیرش دعوت رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز در این امر مؤثر بوده است.^۵ جعفر علیه السلام

۱. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۸.

۲. قمی، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۷۸؛ ابن اثیر، اسد الغابة، ج ۱، ص ۳۴۱؛ حلبی، السيرة الحلبیة، ج ۱، ص ۳۸۳.

۳. بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۲، ص ۴۲-۴۳.

۴. همان، ص ۴۳.

۵. قمی، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۷۸؛ طبرسی، إعلام الوری، ج ۱، ص ۱۰۳.

جزو اولین کسانی بود که با رسول خدا ﷺ نماز را بر پا داشت.^۱ درباره اسلام آوردن حمزه ﷺ نیز دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. برخی از منابع ایمان وی را در سال دوم بعثت گزارش کرده‌اند.^۲ البته قولی که ایمان وی را در سال ششم بعثت می‌داند، در میان مورخان از شهرت برخوردار است. این منابع اسلام آوردن حمزه ﷺ را در جریان برخورد وی با ابو جهل؛ که رسول خدا ﷺ را آزار داده بود، نقل کرده‌اند.^۳ رسول خدا ﷺ از اظهار اسلام حمزه ﷺ بسیار خوشنود گردید^۴ و در مقابل، مشرکان قریش از این واقعه به شدت خشمگین و عصبانی گردیدند^۵ و متوجه شدند که پایه‌های قدرت رسول خدا ﷺ مستحکم گردید.^۶ همین مسئله موجب شد که آنان از برخی از اقدامات‌شان علیه رسول خدا ﷺ دست بکشند،^۷ زیرا از حمزه ﷺ ترس داشتند.^۸ حتی قریش به این فکر افتاد که با رسول خدا ﷺ وارد مذاکره و گفت‌وگو شود.^۹ ایمان آوردن جعفر ﷺ و حمزه ﷺ چه در یک زمان اتفاق افتاده باشد و چه با فاصله زمانی محقق شده باشد، پایه‌های اسلام را تقویت کرد و به رسول خدا ﷺ یاری رساند. ایمان این دو صادقانه بود. رسول خدا ﷺ نیز بر ایمان و عمل آنان صحه گذاشت. آن حضرت از حمزه ﷺ^{۱۰} و

۱. طبرسی، إعلام الوری، ج ۱، ص ۱۰۴.

۲. ابن عبد البر، الإستیعاب، ج ۱، ص ۳۶۹؛ ابن عماد حنبلی، شذرات الذهب، ج ۱، ص ۱۲۰.

۳. ابن هشام، السيرة النبوية، ج ۱، ص ۲۹۲؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۶؛ بطبرسی، إعلام الوری، ج ۱، ص ۱۲۲-۱۲۳.

۴. طبرسی، إعلام الوری، ج ۱، ص ۱۲۳.

۵. مقدسی، البدء و التاريخ، ج ۴، ص ۱۴۸.

۶. ابن هشام، السيرة النبوية، ج ۱، ص ۲۹۲.

۷. همان؛ طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۳۳۴؛ بیهقی، دلائل النبوة، ج ۲، ص ۲۱۳.

۸. ابن سید الناس، عیون الأثر، ج ۲، ص ۳۶۱.

۹. ابن هشام، السيرة النبوية، ج ۱، ص ۲۹۳؛ مقدسی، البدء و التاريخ، ج ۴، ص ۱۴۹؛ صالحی شامی، سبل الهدی، ج ۲، ص ۳۳۵.

۱۰. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۹؛ ابن اثیر، اسد الغابة، ج ۱، ص ۵۳۰؛ ابن حجر عسقلانی، الإصابة، ج ۲، ص ۱۰۶.

جعفر علیه السلام به نیکی یاد کرد و آنان را اهل بهشت دانست.^۱ روشن است نقش تقویت‌گری حمزه علیه السلام و جعفر علیه السلام در جبهه اسلام، می‌توانست دستمایه نقش ایشان در مسئله خلافت شود و حضرت علی علیه السلام را در امر خلافت یاری رساند.

۴.۲. ولایت‌پذیری و فرمانبرداری

از نقاط برجسته زندگی حمزه علیه السلام و جعفر علیه السلام ولایت‌پذیری ایشان نسبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده است. این ویژگی در توصیف امام حسن مجتبی علیه السلام از حمزه علیه السلام و جعفر علیه السلام آمد است.^۲ همچنانکه ختّان بن ثابت (زنده در ۴۰ ق)، نیز در اشعاری که درباره جعفر علیه السلام سروده به این ویژگی اشاره کرده است: «ما در جعفر علیه السلام نسبت به حضرت محمد صلی الله علیه و آله، وفاداری و قاطعیت در انجام ماموریت را دیدیم».^۳ عملکرد حمزه علیه السلام و جعفر علیه السلام این ویژگی را اثبات می‌کند. جعفر علیه السلام به امر رسول خدا صلی الله علیه و آله به حبشه هجرت کرد و سرپرستی مسلمانان را در این سفر پر مخاطره به عهده گرفت^۴ و با امر ایشان نیز از حبشه باز گشت.^۵ حمزه علیه السلام نیز به رغم آن که سنش از رسول خدا صلی الله علیه و آله بیشتر بود،^۶ در پذیرش ولایت رسول خدا صلی الله علیه و آله و فرمانبری از ایشان استوار بود و از حمایت آن حضرت واهمه نداشت^۷ و در هر کاری که رسول خدا صلی الله علیه و آله به او امر می‌کرد، تسلیم محض بود.^۸

۱. ابن سعد، الطبقات الکبری، خامسة ۲، ص ۸؛ طبرسی، إعلام الوری، ج ۱، ص ۲۱۳ - ۲۱۴؛ مقریزی، إمتاع الأسماع، ج ۱، ص ۳۴۳.

۲. ابن عبد البر، الإستیعاب، ج ۱، ص ۲۴۳.

۳. طوسی، الأمالی، ص ۵۶۳.

۴. «و کثانی فی جعفر (س) من محمد وفاء و أمرا حازما حین یأمر» (ابن هشام، السیرة النبویة، ج ۲، ص ۳۸۴).

۵. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۴، ص ۲۵؛ مقدسی، البدء و التاریخ، ج ۴، ص ۱۵۰؛ طبرسی، إعلام الوری، ج ۱، ص ۱۱۵.

۶. ابن هشام، السیرة النبویة، ج ۲، ص ۲۷۷؛ طبرسی، إعلام الوری، ج ۱، ص ۱۱۸؛ صالحی شامی، سبل الهدی، ج ۲، ص ۴۰۳.

۷. بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۴، ص ۲۸۴.

۸. بیهقی، دلائل النبوة، ج ۲، ص ۲۱۳.

۹. نک: بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۴، ص ۲۸۴؛ ابن عبد البر، الإستیعاب، ج ۱، ص ۴۲ - ۴۳؛ طبرسی، إعلام الوری، ج ۱، ص ۱۶۳.

۴.۳. عنصر قدرت و منطق

دو عنصر «قدرت» و «منطق» در تحولات سیاسی و اجتماعی تاثیرگذار خواهد بود. حمزه رضی الله عنه و جعفر رضی الله عنه به تناسب از این ویژگی‌ها برخوردار بودند. توانمندی جعفر رضی الله عنه را در جریان هجرت به حبشه و نجات دادن مسلمانان از توطئه قریش می‌توان دید. هجرت از مکه به حبشه با سختی‌ها و دشواری‌هایی همراه بوده است، اما سختی و دشواری واقعی هنگامی بود که مسلمانان با نمایندگان قریش در دربار نجاشی أصحمة بن أبیخر؛ پادشاه حبشه (حک: ۶۱۴ - ۶۳۱ م)، مواجه شدند. قریش، عمرو عاص و عماره بن ولید^۱ را با هدایایی ارزشمند به نزد نجاشی فرستاده بودند تا از این طریق او را به بازگرداندن مسلمانان به مکه متقاعد کنند.^۲ آنان برای بزرگان حبشه نیز هدایایی فرستادند تا از این طریق نیز نجاشی را برای بازگرداندن مسلمانان تحت فشار قرار دهند.^۳ همچنین، قریش با نجاشی رابطه تجاری داشتند.^۴ آنان به این رابطه و نیز ارتباط دوستانه عمرو عاص با نجاشی امیدوار بودند.^۵ همه اینها مؤلفه‌های تاثیرگذاری بود که می‌توانست شرایط را برای مسلمانان مهاجر دشوار کند و نجاشی را متقاعد کند که آنان را از حبشه بیرون براند. برخی بر این باورند که عمرو عاص به دنبال آن بود که پس از جلب موافقت نجاشی برای اخراج مسلمانان از

۱. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۹؛ ذهبی، تاریخ الإسلام، ج ۱، ص ۱۸۸؛ طبرسی، إعلام الوری، ج ۱، ص ۱۱۵. برخی از منابع گفته‌اند که عبد الله بن ابی ربیعہ عمرو عاص را در این سفر همراهی می‌کرد (ابن هشام، السيرة النبوية، ج ۱، ص ۳۳۴؛ مقدسی، البدء والتاریخ، ج ۴، ص ۱۵۱). برخی نیز گفته‌اند قریش دو بار نمایندگانی را به حبشه فرستاد. بار اول عمرو عاص و عماره را در همان ایامی که مهاجران وارد حبشه شده بودند، به نزد نجاشی فرستادند و بار دوم بعد از رخداد بدر مجدد عمرو عاص را به همراه عبد الله بن ابی ربیعہ به نزد نجاشی فرستادند (مقربزی، إمتاع الأسماع، ج ۱، ص ۴۱).

۲. ابن هشام، السيرة النبوية، ج ۱، ص ۳۳۴؛ یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۹؛ طبرسی، إعلام الوری، ج ۱، ص ۱۱۵.
۳. ابن هشام، السيرة النبوية، ج ۱، ص ۳۳۴؛ ذهبی، تاریخ الإسلام، ج ۱، ص ۱۸۸؛ صالحی شامی، سبل الهدی، ج ۲، ص ۳۸۹.

۴. بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۱، ص ۵۹؛ دیار بکری، تاریخ الخميس، ج ۱، ص ۲۸۸.

۵. ابن هشام، السيرة النبوية، ج ۲، ص ۲۷۷.

حبشه، مسلمانان را به قتل برساند.^۱ بنابراین، هرچند هجرت به حبشه در شرایط آن روزگار دشوار بود، اما قریش کارزاری طراحی کرده بود که سختی سفر در برابر آن به حساب نمی آمد. بی تردید عدم موفقیت مسلمانان در مواجهه با این چالش، می توانست شرایط دشوارتری را برای آنان فراهم کند. جعفر بن ابی طالب علیه السلام در این معرکه که یک میدان مبارزه حقیقی بود توانست به جهت ایمان، منطق و استدلال، امنیت و آرامش را برای برادران دینی خود به ارمغان بیاورد و زمینه زندگی مسالمت آمیز آنان را در حبشه فراهم کند.^۲ وی با «بیان محکم» و «استدلال قوی» و نیز شیوه حکیمانه در بهره گیری درست از آیات قرآن کریم موجب شد که نجاشی نه تنها آنان را از حبشه بیرون نراند،^۳ بلکه با تندی با نماینده قریش برخورد کرده و هدایایی را که آورده بودند به آنان بازگرداند^۴ و شرایط مطلوبی را برای مسلمانان فراهم کرد.^۵ در واقع جعفر علیه السلام در حبشه همچون یک مجاهد عمل کرد، همچنانکه رسول خدا صلی الله علیه و آله این ویژگی را درباره او به کار برد.^۶ توانمندی جعفر علیه السلام در اقناع سازی، می توانست نقشی کلیدی در مسئله خلافت ایفا کند.

در این میان عنصر قدرت نیز می توانست به عنوان عنصری تاثیرگذار در تحولات مختلف نقش ایفا کند. این ویژگی در حمزه علیه السلام و جعفر علیه السلام وجود داشت. با این حال، حمزه علیه السلام به این خصلت معروف بود. او به واسطه همین ویژگی، در دوران مکه حامی رسول خدا صلی الله علیه و آله و مدافع دین اسلام بود. حمزه علیه السلام با ابو لهب (د. ۲ق)، به دلیل آزارها و اذیت هایی که برای رسول خدا صلی الله علیه و آله ایجاد می کرد، به تندی برخورد کرد.^۷ همچنین، گفته شده است در

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۳۰ و ۲۸۳.

۲. صالح، «بطل و معارک: جعفر بن ابی طالب (س)»، ص ۱۹۳.

۳. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۳۳۶-۳۳۷؛ ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۴، ص ۲۵۶.

۴. ذهبی، تاریخ الإسلام، ج ۱، ص ۱۹۰؛ مقریزی، إمتاع الأسماع، ج ۱، ص ۳۸.

۵. ذهبی، تاریخ الإسلام، ج ۱، ص ۱۹۰.

۶. قمی، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۶۵.

۷. بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۱، ص ۱۳۱.

جریان دومین ملاقات اهل یثرب با رسول خدا ﷺ در عقبه در سال سیزدهم بعثت، حمزه ﷺ و حضرت علی ﷺ مانع از قریش شدند که به اهل یثرب تعرض کنند.^۱ همچنین، فرماندهی اولین سریه در مدینه،^۲ حضور فعال و تاثیرگذار در جنگ بدر،^۳ علمداری در جنگ با یهود بنی قینقاع و جدیت در مواجهه با آنان^۴ شواهدی بر برجسته بودن عنصر قدرت در حمزه ﷺ است. همچنین، قدرت و توان حمزه ﷺ به او این امکان را داده بود که در جنگ احد نیز نقشی کلیدی داشته باشد، از این رو فرماندهی قلب سپاه به عهده او بود.^۵ با رشادت‌های حمزه ﷺ و حضرت علی ﷺ سپاه دشمن در آستانه شکست قرار گرفت.^۶ مشرکان بعدها از سختی مواجهه با حمزه ﷺ در جنگ‌ها و از ضربات سختی که از او خورده بودند، یاد می‌کردند.^۷ این اقدامات بیان‌گر بیان‌گر وجود عنصر قدرت در حمزه ﷺ بود. قدرت حمزه ﷺ، به همراه منطق جعفر می‌توانست حضرت علی ﷺ را در رسیدن به حق خود یاری رساند.

۴.۴. شجاعت و دلاوری در میادین خطر

از ویژگی‌ها و خصوصیات حمزه ﷺ و جعفر ﷺ شجاعت و دلاوری بوده است. این دو در میادین خطر ترس به دل راه نداده و به همین جهت گاه برخی افراد به دلیل انتساب به اینان به شجاعت توصیف می‌شدند، همچنانکه خُزیمه بن ثابت (د. ۳۷ق)، در جنگ جمل، انتساب محمد حنّفه (د. ۸۱ق)، به حمزه ﷺ و جعفر ﷺ را دلیلی بر شجاعت وی

۱. قمی، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۷۳؛ طبرسی، إعلام الوری، ج ۱، ص ۱۴۳.

۲. بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۴، ص ۲۸۴؛ طبرسی، إعلام الوری، ج ۱، ص ۱۶۳. اقوال دیگری در اولین سریه نقل شده، اما اصح این است که سریه حمزه ﷺ اولین سریه بوده است (ابن عبد البر، الإستیعاب، ج ۱، ص ۴۳).

۳. واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۸۳؛ قمی، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۶۴-۲۶۵؛ ابن عبد البر، الإستیعاب، ج ۱، ص ۳۷۲.

۴. بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۱، ص ۲۸۶؛ طبرسی، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۴۸۱.

۵. خلیفه بن خیاط، تاریخ خلیفه، ص ۲۷.

۶. طبرسی، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۵۱۳.

۷. واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۸۳؛ بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۱، ص ۲۸۶.

گرفته است.^۱ در دوران مکه، مشرکان قریش از حمزه علیه السلام حساب می بردند. وقتی در مکه ابو جهل به رسول خدا صلی الله علیه و آله تعرض کرد، حمزه علیه السلام به رغم حمایت و پشتیبانی قبیله بنی مخزوم از ابو جهل، ضربه سختی بر سر او زد.^۲ این امر بیان گر شجاعت حمزه علیه السلام است.^۳ او در این شرایط سخت و حساس با علنی کردن اسلام خود، معادلات قریش را بر هم زد.^۴ حمزه علیه السلام از جمله کسانی بود که علناً دیگران را به اسلام دعوت می کرد.^۵ شجاعت حمزه علیه السلام موجب شده بود که وی در جنگ ها حضوری فعال داشته باشد. این ویژگی به او این امکان را داده بود که به رغم تعداد کم، از زیادی سپاه دشمن ترس به دل راه ندهد، همچنانکه در اولین سریه که در ماه رمضان و پس از هفت ماه از هجرت رسول خدا صلی الله علیه و آله به مدینه انجام شد،^۶ حمزه علیه السلام با سی نفر در برابر سیصد نفر از قریش به فرماندهی ابو جهل قرار گرفت.^۷ هرچند برخی واسطه شدند و جنگ در نگرفت،^۸ اما مقابله با سپاهی سیصد نفره با جمعیتی به مراتب کمتر از آن، نشان از جرأت و جسارت حمزه علیه السلام دارد. حمزه علیه السلام در جنگ بدر نزدیکترین افراد به سپاه دشمن بود.^۹ شجاعت حمزه علیه السلام در جنگ احد نیز ستودنی بود.^{۱۰} هر گاه حمزه علیه السلام در میدان جنگ به دشمن حمله می برد، صف دشمن از هم می گسیخت و هر یک از آنان به سویی می گریخت.^{۱۱} از این رو کشتن او در جنگ تن به تن میسر نبود و تنها از

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغة، ج ۱، ص ۲۴۵.

۲. ابن اثیر، اسد الغابة، ج ۱، ص ۵۲۹.

۳. سید مرتضی عاملی، الصحیح من سیرة النبی الأعظم، ج ۳، ص ۱۵۴.

۴. ابن اثیر، اسد الغابة، ج ۱، ص ۵۲۹.

۵. بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۱، ص ۱۲۳.

۶. واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۹.

۷. طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۴۰۲؛ بیهقی، دلائل النبوة، ج ۳، ص ۸؛ طبرسی، إعلام الوری، ج ۱، ص ۱۶۳.

۸. طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۴۰۲؛ مسعودی، التنبيه والإشراف، ص ۲۰۰؛ طبرسی، إعلام الوری، ج ۱، ص ۱۶۳.

۹. طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۴۲۵؛ صالحی شامی، سبل الهدی، ج ۴، ص ۳۱.

۱۰. واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۲۱۰.

۱۱. ابن هشام، السیرة النبویة، ج ۲، ص ۷۱؛ قمی، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۱۶؛ طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۵۱۷.

مکر و حيله و به صورت ناجوانمردانه دشمن می‌توانست حمزه علیه السلام را از پا در بیاورد. به همین دلیل، وحشی حبشی^۱؛ قاتل حمزه، با مخفی شدن در پشت صخره‌ای، توانست موقعیت مناسبی را برای پرتاب نیزه به سوی حمزه علیه السلام بیابد و هدف خود را محقق کند.^۲ رشادت‌های حمزه علیه السلام موجب شد که رسول خدا صلی الله علیه و آله از او با عنوان «اسد الله» و «اسد رسوله» یاد کند.^۳

شجاعت جعفر علیه السلام را از پشگامی وی در اسلام آوردن^۴ و نیز شرکت در نماز جماعت با رسول خدا صلی الله علیه و آله در سال‌های نخستین دعوت به اسلام^۵ می‌توان فهمید. سرپرستی مهاجران مسلمان در سفر به حبشه و نیز پیروزی بر عمرو عاص در حضور نجاشی و نیز فراهم کردن شرایطی مناسب برای زندگی مسلمانان در حبشه نیز نشان دهنده شجاعت جعفر علیه السلام است.^۶ مبارزه سخت و نفس‌گیر وی در جنگ موه^۷ نیز دلیل دیگری بر این ادعاست.^۸ گفته شده است جراحات فراوانی بر قسمت جلوی بدن جعفر علیه السلام وارد شده بود^۹ که این امر

۱. وحشی حبشی غلام جبیر بن مطعم بود که هند همسر ابو سفیان برای گرفتن انتقام خون پدر و دیگر بستگانش، او را اجیر کرد و او نیز در روز احد حمزه علیه السلام را در حالی که سرگرم مبارزه بود، با پرتاب نیزه به شهادت رساند (بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۴، ص ۲۸۶-۲۸۷؛ قمی، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۱۶؛ ابن عبد البر، الإستیعاب، ج ۴، ص ۱۵۶۴).

۲. واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۲۸۵؛ قمی، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۱۶-۱۱۷؛ ابن عبد البر، الإستیعاب، ج ۴، ص ۱۵۶۴.

۳. واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۲۹۰؛ بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۴، ص ۲۸۲.

۴. بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۲، ص ۴۳؛ قمی، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۷۸؛ ابن اثیر، اسد الغابة، ج ۱، ص ۳۴۱.

۵. طبرسی، إعلام الوری، ج ۱، ص ۱۰۴.

۶. ابن هشام، السيرة النبوية، ج ۱، ص ۳۳۸؛ یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۹.

۷. منطقه‌ای در شام (مقدسی، البدء و التاریخ، ج ۴، ص ۲۳۰).

۸. واقدی، المغازی، ج ۲، ص ۷۶۱؛ ابن هشام، السيرة النبوية، ج ۲، ص ۳۷۸؛ طبرسی، إعلام الوری، ج ۱، ص ۲۱۲؛ ذهبی، تاریخ الإسلام، ج ۲، ص ۴۹۲.

۹. مسعودی، التنبيه و الإشراف، ص ۲۳۱.

حاکمی از شجاعت و جدیت وی در مقابله با دشمن و پشت نکردن به آنان بوده است.

۴.۵. برخورداری از جایگاه و اعتبار اجتماعی

از جمله عناصری که در جریان سقیفه بر آن تأکید شد و موجب گردید ابو بکر به خلافت برسد، وابستگی وی به قریش بود. وابستگی به قریش عنصری بود که در حمزه علیه السلام و جعفر علیه السلام نیز وجود داشت. علاوه بر این، حمزه علیه السلام و جعفر علیه السلام در میان قریش از اعتبار و جایگاهی ویژه برخوردار بودند. حمزه علیه السلام از اعیان و بزرگان خاندان عبد المطلب بود^۱ و در میان قریش از عزت و اعتبار برخوردار بود^۲ و کمتر کسی در قریش به توانمندی و قاطعیت او یافت می شد.^۳ جایگاه حمزه علیه السلام به گونه ای بود که اگر کسی به او پناه برده و با او هم پیمان می شد، از آسیب دیگران در امان می ماند.^۴ گفته شده حمزه علیه السلام نیز از روسای بنی هاشم در مکه بوده است.^۵ وی از جنگاوران و دلاوران قریش بوده است.^۶ نمایندگان قریش در جنگ بدر، حمزه، عبیده بن حارث (د. ۳ق)، و حضرت علی علیه السلام را همتایانی کریم برای خود می دانستند.^۷ حمزه علیه السلام از ارکان اصلی سپاه اسلام بود و کشتن وی برای مشرکان قریش بسیار مهم بود.^۸ به همین دلیل پس از جنگ احد، وقتی سپاه قریش به مکه بازگشت، کشته شدن حمزه علیه السلام را به عنوان یک دستاورد بزرگ یاد کرده و آن را مایه سرور و شادی خود دانسته^۹ و

۱. ابن حبیب بغدادی، المنطق، ص ۳۶.

۲. ابن هشام، السيرة النبوية، ج ۱، ص ۲۹۲؛ ابن حبیب بغدادی، المنطق، ص ۳۴۰؛ صالحی شامی، سبل الهدی، ج ۲، ص ۳۳۲.

۳. ابن هشام، السيرة النبوية، ج ۱، ص ۲۹۲؛ صالحی شامی، سبل الهدی، ج ۲، ص ۳۳۲.

۴. ابن حبیب بغدادی، المنطق، ص ۲۴۳.

۵. همان، ص ۳۳۱.

۶. همان، ص ۴۱۹.

۷. واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۲۸۵.

۸. قمی، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۲۵.

۹. واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۳۳۲؛ مقریزی، إمتاع الأسماع، ج ۱، ص ۱۷۲.

ممنوعیت یکساله استفاده از عطر و آرایش^۱ را برداشتند.^۲ حمزه رضی الله عنه در میان انصار نیز مورد تکریم و احترام واقع شد. بعد از شهادت حمزه، زنان مدینه به خواست رسول خدا صلی الله علیه و آله برای حمزه رضی الله عنه نوحه سر دادند^۳ و این به سنتی در میان آنان تبدیل گردید و سال‌ها بعد نیز هر گاه به نوحه خوانی می‌پرداختند، ابتدا درباره حمزه رضی الله عنه نوحه‌سرایی کرده و بعد به عزیزان خود می‌پرداختند.^۴ شاعران انصار، حمزه رضی الله عنه را در اشعار خود می‌ستودند و از بزرگی و عظمت او یاد می‌کردند.^۵

این عظمت و جایگاه برای جعفر رضی الله عنه نیز متصور است. وی فرزند ابو طالب بود که به رغم فقر، بر قریش سیادت یافت.^۶ جعفر رضی الله عنه به جهت تقدیمی که در اسلام آوردن داشت و نیز ایثار و فداکاریش از برجسته‌ترین صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله به شمار آمده است.^۷ تلاش او در دفاع از اسلام از او شخصیت برجسته‌ای ساخت.^۸ او با نجاشی پادشاه حبشه نیز روابط حسنه‌ای داشت و مورد احترام او بود.^۹

حمزه رضی الله عنه و جعفر رضی الله عنه در نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله جایگاه ویژه‌ای داشتند. از این رو فقدان این دو برای آن حضرت بسیار سخت و ناگوار بود. امام سجاده رضی الله عنه شهادت حمزه رضی الله عنه در جنگ احد و نیز شهادت جعفر رضی الله عنه در جنگ موه را از تلخ‌ترین و سخت‌ترین حوادث دردناک برای

۱. این ممنوعیت به دلیل شکستی بود که در جنگ بدر متحمل شده بودند (واقعی، المغازی، ج ۱، ص ۱۲۱).

۲. همان، ص ۳۳۲.

۳. ابن هشام، السيرة النبوية، ج ۲، ۲۹۹؛ بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۴، ص ۲۸۹.

۴. ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۲، ص ۳۴؛ بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۴، ص ۲۸۹؛ صدوق، الفقیه، ج ۱، ص ۱۸۳.

۵. طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۵۲۳-۵۲۴.

۶. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۴؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۱۵۱.

۷. الکندری، «تراث: مناقب جعفر بن ابی طالب رضی الله عنه»، ص ۸؛ عبد السلام حبیب، سعد، «جعفر بن ابی طالب رضی الله عنه»، ص ۱۹۸.

۸. صالح، «بطل و معارک: جعفر بن ابی طالب (س)»، ص ۱۹۳.

۹. ابن سعد، الطبقات الكبرى، خامسة ۲، ص ۷؛ ابن حبیب بغدادی، المنعم، ص ۴۱۷.

رسول خدا صلی الله علیه و آله ذکر کرده است.^۱ این حزن و اندوه هم به جهت ارتباط قلبی بخشی از این غم بی‌تردید به جهت تعلق خاطری است که رسول خدا صلی الله علیه و آله به اینان داشته است. پیامبر صلی الله علیه و آله نام حمزه رضی الله عنه را دوست می‌داشت، از این رو وقتی که یکی از انصار از ایشان پرسید که فرزند تازه متولد شده‌اش را چه بنامد؟ فرمود: نام او را حمزه رضی الله عنه بگذار که محبوبترین مردم نزد من است.^۲ به همین جهت رسول خدا صلی الله علیه و آله مصیبت حمزه رضی الله عنه را سخت‌ترین مصیبتی توصیف کرد که به خود دیده بود^۳ و از این رو به گونه‌ای گریست که اصحاب نظیر آن را از ایشان ندیده بودند.^۴ این ارتباط را رسول خدا صلی الله علیه و آله با جعفر رضی الله عنه نیز داشته است. بازگشت جعفر رضی الله عنه از حبشه مقارن با فتح خیبر و در سال هفتم رخ داد.^۵ این فتح یکی از رخدادهای مهم تاریخ صدر اسلام است و نقشی تعیین‌کننده در تحولات پس از خود دارد. با این وجود، رسول خدا صلی الله علیه و آله خوشحالی خود را از بازگشت جعفر رضی الله عنه همتای خوشحالی‌شان از فتح خیبر توصیف کرد.^۶ به همین جهت، با شهادت جعفر رضی الله عنه غم سنگینی بر سینه رسول خدا صلی الله علیه و آله نشست.^۷ این موارد حاکی از آن است که حمزه رضی الله عنه و جعفر رضی الله عنه جایگاه و موقعیت ویژه‌ای در نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و به تبع در جامعه اسلامی داشته‌اند. از این رو با وجود آنان حضرت علی رضی الله عنه در مسئله خلافت می‌توانست به حق خویش نائل آید.

۵. سخن پایانی

تحلیل داده‌های فوق نشان داد که وجود عناصری همچون ایمان صادق به خدا و رسول

۱. صدوق، الأمالی، ص ۴۶۲.

۲. کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۱۹؛ ابن حجر عسقلانی، الإصابة، ج ۲، ص ۱۳۲.

۳. بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۴، ص ۲۸۷؛ یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۷.

۴. ابن عبد البر، الإستیعاب، ج ۱، ص ۳۷۴.

۵. بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۱، ص ۱۹۸؛ ابن عبد البر، الإستیعاب، ج ۱، ص ۲۴۲.

۶. ابن هشام، السيرة النبوية، ج ۲، ص ۳۵۹؛ یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۵۶؛ صدوق، الخصال، ج ۱، ص ۷۷؛ ابن عبد البر، الإستیعاب، ج ۱، ص ۲۴۲.

۷. ابن اثیر، اسد الغابة، ج ۱، ص ۳۴۳.

خدا ﷺ، پایمردی و استواری در این راه همراه با ویژگی‌ها و خصلت‌های همچون: شجاعت، قدرت و برهان و نیز برخورداری از اعتبار و جایگاه نزد رسول خدا ﷺ، قریش و مسلمانان ظرفیتی را برای حمزه ﷺ و جعفر ﷺ ایجاد کرده بود که با وجود آن می‌توانستند در مسئله خلافت مؤثر باشند. اینان با همراهی حضرت علی ﷺ، مثلی را تشکیل می‌دادند که برآیند آن قرار گرفتن خلافت در مسیری بود که رسول خدا ﷺ برای آن ترسیم کرده بود. درحالی‌که، فقدان حمزه ﷺ و جعفر ﷺ شرایط را برای مثلث ابو بکر، عمر بن خطاب (د. ۲۳ق)، و ابو عبیده جراح (د. ۱۸ق)، فراهم کرد و آنان توانستند از شرایط موجود استفاده کرده و اوضاع را به نفع خود تغییر دهند و خلافت را عهده‌دار شوند. لامنس (د. ۱۹۳۷م)^۱ از این سه نفر به «مثلث قدرت» یاد کرده و بر این باور است که اینان پیش از رحلت رسول خدا ﷺ با یکدیگر متعهد شده بودند که خلافت را پس از رسول خدا ﷺ به عهده بگیرند.^۲ ابو بکر و ابو عبیده را در گزارش‌های مربوط به اسلام آوردندگان سال‌های نخست کنار هم آورده‌اند.^۳ هرچند عمر دیرتر از این دو ایمان آورد، اما با اسلام آوردن در کنار اینان قرار گرفت.^۴ رسول خدا ﷺ در جریان عقد اخوت میان ابو بکر و عمر پیمان برادری بست.^۵ همچنین که میان ابو عبیده با سالم مولی ابو حذیفه (د. ۱۲ق)، که بعدها در دوران خلافت نقش پررنگی داشت، پیمان برادری بست.^۶ این سه در برخی از سیره‌ها نیز با هم بودند.^۷

1. Henri Lammens.

خاورشناس بلژیکی و صاحب آثار متعدد درباره امویان و شبه جزیره عربستان.

۲. مادلونگ این دیدگاه را از لامنس نقل کرده است (مادلونگ، جانشینی حضرت محمد ﷺ، ص ۶۱).

همچنین برای آگاهی از همکاری این سه؛ بنگرید: فلاطوری، محکمه قضائی جانشینان محکوم، بی‌جا، کتابخانه اسلام، ۱۳۷۰، سرتاسر).

۳. بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۱، ص ۱۲۳.

۴. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۵۷.

۵. ابن هشام، السیرة النبویة، ج ۲، ص ۵۶۱؛ بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۱، ص ۲۷۰.

۶. بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۱، ص ۲۷۰.

۷. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۱۰۰؛ مسعودی، التنبیه و الإشراف، ص ۲۳۱.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در سال دهم هجرت اینان را موظف کرد که در سریه اسامه بن زید (د. ۵۲ق)، حاضر شوند که به این امر توجهی نشد.^۱ در جریان سقیفه بنی ساعده، ابو بکر، عمر و ابو عبیده با هم حاضر شده و با هم افزایی‌هایی که انجام دادند، توانستند بر انصار غلبه کرده و خلافت را برای ابو بکر مستقر نمایند.^۲ آنان در این جمع به قریشی بودن و این که رسول خدا صلی الله علیه و آله از قریش بوده، استناد جستند و انصار را به سکوت وا داشتند.^۳ روشن است این ادعا با وجود حمزه علیه السلام و جعفر علیه السلام رنگ می‌باخت و مؤثر واقع نمی‌شد. در این برهه هرچند کسانی همچون عباس و عقیل از بنی هاشم بودند، اما این دو در اسلام‌آوری جدید العهد بوده و سوابق چندانی در دفاع از اسلام نداشتند و به همین جهت قابل اتکا نبودند. بنابراین، می‌توان فقدان حمزه علیه السلام و جعفر علیه السلام را از عوامل مهم و تأثیرگذار در عدم تحقق وصیت رسول خدا صلی الله علیه و آله به جانشینی بلا فصل حضرت علی علیه السلام به حساب آورد.

نتیجه‌گیری

بررسی همتایی حمزه علیه السلام و جعفر علیه السلام در روایات ائمه علیهم السلام نشان داد که این دو دارای وجوه مشترکی هستند که آنان را به عنوان دو عضو اصلی و مهم در جامعه اسلامی مبدل ساخته بود. ایمان صادقانه، وفاداری در عمل، جانفشانی در راه دین، برخورداری از عنصر قدرت و منطق و بهره‌مندی از محبوبیت نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و دارا بودن اعتبار و جایگاه در میان قریش و جامعه اسلامی، برای حمزه علیه السلام و جعفر علیه السلام ظرفیتی را فراهم کرده بود که می‌توانستند در تحولات جامعه نقش ایفا کنند. به همین دلیل، حضرت علی علیه السلام از این که قریش وی را تنها گذاشته بود، گله کرد و تصریح فرمود اگر حمزه علیه السلام و جعفر علیه السلام بودند، قریش نمی‌توانست خلافت را از ایشان تصاحب کند. بررسی عملکرد حمزه علیه السلام و جعفر علیه السلام موید سخن حضرت

۱. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۱۴۶.

۲. بلاذری، أنساب الأشراف، ج ۱، ص ۵۸۰-۵۸۴؛ یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۲۳؛ مقدسی، البدء و التاریخ، ج ۵، ص ۶۵.

۳. ابن قتیبه دینوری، الإمامة و السياسة، ج ۱، ص ۲۳.

علی علیه السلام است و نشان می‌دهد که اینان با وجود حضرت علی علیه السلام و نیز با توجه به امری که رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره خلافت و جانشینی وی کرده بود، هیچ گاه در تبعیت از آن حضرت تردید نمی‌کردند و به جهت جایگاهی که در جامعه داشتند مردم را نیز به تبعیت از ایشان فرا می‌خواندند. اما به جهت فقدان این دو، چنین ظرفیت و توانی از حضرت علی علیه السلام سلب شد و قریش توانست بر خلافت دست یابد و آن حضرت را از حقی که خداوند برای او معین کرده بود، محروم سازد.



منابع

- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
۱. نهج البلاغه، نسخه صبحی صالح.
۲. ابن ابی الحدید، عبد الحمید، شرح نهج البلاغه، تصحیح محمد ابو الفضل ابراهیم. قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، چاپ اول، ۱۳۳۷.
۳. ابن اثیر، علی بن محمد، أسد الغابة فی معرفة الصحابة، بیروت، دار الفكر، ۱۴۰۹ق/ ۱۹۸۹م.
۴. ابن اعثم، احمد، الفتوح، تحقیق علی شیر، بیروت، دارالأضواء، چاپ اول، ۱۴۱۱ق/ ۱۹۹۱م.
۵. ابن حبیب بغدادی، محمد، کتاب المنمق فی اخبار قریش، تحقیق خورشید احمد فاروق، بیروت، عالم الکتب، چاپ اول، ۱۴۰۵ق/ ۱۹۸۵م.
۶. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الإصابة فی تمییز الصحابة، تحقیق عادل احمد عبد الموجود و علی محمد معوض، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۵ق/ ۱۹۹۵م.
۷. ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۰ق/ ۱۹۹۰م.
۸. ابن سید الناس، محمد، عیون الأثر فی فنون المغازی و الشمانل و السیر، تعلیق ابراهیم محمد رمضان، بیروت، دار القلم، چاپ اول، ۱۴۱۴ق/ ۱۹۹۳م.
۹. ابن عبد البر، ابو عمر یوسف، الإستیعاب فی معرفة الأصحاب، تحقیق علی محمد البجاوی، بیروت، دار الجیل، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۱۰. ابن عماد حنبلی، عبد الحی بن احمد، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، تحقیق الأرناؤوط، دمشق - بیروت، دار ابن کثیر، چاپ اول، ۱۴۰۶ق/ ۱۹۸۶م.
۱۱. ابن قتیبة دینوری، عبد الله بن مسلم، الإمامة والسیاسة، تحقیق علی شیر، بیروت، دارالأضواء، چاپ اول، ۱۴۱۰ق/ ۱۹۹۰م.
۱۲. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البداية و النهایة، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۷ق/ ۱۹۸۶م.
۱۳. ابن هشام، عبد الملك، السيرة النبویة، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الأبیاری و عبدالحفیظ شلبی، بیروت، دار المعرفة، ۱۹۵۵م.
۱۴. ابو الفرج اصفهانی، علی بن الحسین، مقاتل الطالبیین، تحقیق سید احمد صقر، بیروت، دار المعرفة، بی تا.

۱۵. ابو مخنف، لوط بن يحيى، وقعة الطف، تحقيق هادي يوسفى غروى، قم، جامعه مدرسين، چاپ سوم، ۱۴۱۷ق.
۱۶. بلاذرى، احمد بن يحيى، انساب الاشراف، تحقيق سهيل زكار و رياض زرکلى، بيروت، دار الفكر، چاپ اول، ۱۴۱۷ق/ ۱۹۹۶م.
۱۷. بيهقى، ابو بكر احمد بن حسين، دلائل النبوه و معرفه احوال صاحب الشريعة، تحقيق عبد المعطى قلعجى، بيروت، دار الكتب العلمية، چاپ اول، ۱۴۰۵ق/ ۱۹۸۵م.
۱۸. ثقفى، ابو اسحاق ابراهيم بن محمد، الغارات، تحقيق جلال الدين حسینی ارموى، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۳.
۱۹. حاكم حسانى، عبيدالله بن احمد، شواهد التنزيل لقواعد التفضيل، تحقيق محمد باقر محمودى، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامى، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
۲۰. حميرى، عبدالله بن جعفر، قرب الإسناد، قم، مؤسسة آل البيت ع، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۲۱. خليفة بن خياط، تاريخ خليفة، تحقيق فواز، بيروت، دار الكتب العلمية، چاپ اول، ۱۴۱۵ق/ ۱۹۹۵م.
۲۲. خونى، سيد ابوالقاسم موسى، معجم رجال الحديث و تفصيل طبقات الرجال، قم، مركز النشر الثقافه الاسلاميه، چاپ پنجم، ۱۳۷۲.
۲۳. ديار بكرى، حسين، تاريخ الخميس فى احوال أنفس النفيس، بيروت، دار الصادر، بی تا.
۲۴. ذهبى، شمس الدين محمد بن احمد، تاريخ الاسلام و وفیات المشاهير و الاعلام، تحقيق عمر عبد السلام تدمرى، بيروت، دار الكتاب العربى، چاپ دوم، ۱۴۱۳/ ۱۹۹۳.
۲۵. سيد مرتضى عاملی، سيد جعفر، الصحيح من سيره النبى الأعظم ع، قم، دارالحديث للطباعة و النشر، چاپ دوم، ۱۴۲۸هـ.ق.
۲۶. صالح، محمد، «بطل و معارك: جعفر بن ابى طالب ع»، منبر الإسلام، السنة الثالثة و الثلاثون، جمادى الآخرة ۱۳۹۵، العدد ۶.
۲۷. صالحى شامى، محمد بن يوسف، سبل الهدى و الرشاد فى سيرة خير العباد، تحقيق عادل احمد عبد الموجود و على محمد معوض، بيروت، دار الكتب العلمية، چاپ اول، ۱۴۱۴ق/ ۱۹۹۳م.

۲۸. صدوق، محمد بن علی، الأمالی، بیروت، اعلمی، چاپ پنجم، ۱۳۶۲.
۲۹. _____، الخصال، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۳۶۲ش.
۳۰. _____، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
۳۱. طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، قم، آل البيت، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
۳۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق محمد جواد بلاغی، قم، انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲.
۳۳. طبری آملی کبیر، محمد بن جریر بن رستم، المسترشد فی إمامة علی بن ابی طالب علیه السلام، محقق احمد محمودی، قم، کوشانپور، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
۳۴. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الأمم و الملوک، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، بیروت، دار التراث، چاپ دوم، ۱۳۸۷ق/ ۱۹۶۷م.
۳۵. طوسی، محمد بن حسن، الأمالی، قم، دار الثقافة، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۳۶. _____، رجال الشیخ الطوسی - الابواب، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ سوم، ۱۴۲۷ق.
۳۷. عبد السلام حبیب، سعد، «جعفر بن ابی طالب علیه السلام»، نشریة منبر الإسلام، السنة الثلاثون، محرم ۱۳۹۲ق، العدد ۱.
۳۸. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تهران، المطبعة العلمية، چاپ اول، ۱۳۸۰ق.
۳۹. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، تحقیق طیب موسوی جزایری، قم، دار الكتاب، چاپ سوم، ۱۳۶۳.
۴۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دار الكتب الإسلامية، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۴۱. الکندری، عبد الله، «تراث: مناقب جعفر بن ابی طالب علیه السلام»، نشریة الوعي الإسلامی، العدد ۵۵۸، صفر ۱۴۳۳ق/ ۲۰۱۲م.
۴۲. مادلونگ، ویلفرد، جانشینی حضرت محمد صلی الله علیه و آله، ترجمه احمد نمایی و همکاران، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی علیه السلام، ۱۳۷۷.
۴۳. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.

۴۴. مسعودی، علی بن حسین، التنبیه و الإشراف، تصحیح عبد الله اسماعیل الصاوی، القاهرة، دار الصاوی، بی تا (افست قم: مؤسسة نشر المنابع الثقافة الاسلامیة).
۴۵. مفید، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، تحقیق: مؤسسة آل البيت علیه السلام، قم، کنگره شیخ مفید، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۴۶. مقدسی، مطهر بن طاهر، البدء والتاریخ، بورسعید، مكتبة الثقافة الدينية، بی تا.
۴۷. مقریزی، تقی الدین أحمد بن علی، إمتاع الأسماع بما للنبی من الأحوال و الأموال و الحفدة و المتاع، تحقیق محمد عبد الحمید النمیسی، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۰ق/ ۱۹۹۹م.
۴۸. منقری، نصر بن مزاحم، وقعة صفین، تحقیق عبد السلام محمد هارون، القاهرة، المؤسسة العربیة الحدیثة، الطبعة الثانية، ۱۳۸۲، افست قم، منشورات مكتبة المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق.
۴۹. نوری، میرزا حسین، خاتمة المستدرک، تحقیق گروه پژوهشی مؤسسه آل البيت علیه السلام، قم، مؤسسه آل البيت علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
۵۰. واقدی، محمد بن عمر، المغازی، تحقیق مارسدن جونس، بیروت، مؤسسه اعلمی، چاپ سوم، ۱۴۰۹ق/ ۱۹۸۹م.
۵۱. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ الیعقوبی، بیروت، دار صادر، بی تا.